اخبار

قاتل سرباز کلانتری پای میز محاکمه

گروه حوادث/ سارقی که در حین انتقال به کلانتری مأمور بدرقه‌اش را با ضربه‌های چاقو به قتل رسانده بود، در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از مرداد امسال با گزارش قتل مأمور پلیس به نام عبدالجبار که در حال انتقال متهم ۲۸ ساله‌ای به نام نادر از دادسرا به کلانتری ۱۱۰ شهدا بود، آغاز شد. پس از دستگیری متهم در حوالی استان البرز وی به قتل اعتراف کرد و گفت: من آشپز بودم اما مدتی قبل بیکار شدم و به همین خاطر همسرم ترکم کرد و با دختر ۸ ساله‌ام به شهرستان رفتیم. هرچه تلاش کردم تا کار مناسبی پیدا کنم موفق نشدم تا اینکه از سال ۹۸ تصمیم گرفتم با سرقت موتورسیکلت هم زندگی‌ام را سامان دهم و هم همسرم را برگردانم. چند روز قبل از حادثه، مقابل یکی از بیمارستان‌های تهران یک موتور را سرقت کردم. چند روز بعد دوباره به مقابل همان بیمارستان رفتم تا موتور دیگری را سرقت کنم که صاحب موتوری که چند روز پیش آن را دزدیده بودم و چهره من را از روی دوربین‌های مداربسته پیدا کرده بود مرا شناخت و با برادرانش به من حمله کردند و پس از اینکه کتکم زدند به پلیس تحویلم دادند.

وی در ادامه افزود: صبح روز بعد همراه سرباز کلانتری برای بازجویی به دادسرایی در شرق تهران منتقل شدم و آنجا قاضی برایم وثیقه صدمیلیونی صادر کرد. اما چون توان تأمین وثیقه را نداشتم قرار بازداشت برایم صادر کردند و قرار شد با دستبند و پابند به کلانتری برگردم. من و سرباز عبدالجبار سوار تاکسی شدیم تا از دادسرا به کلانتری برگردیم. در راه برگشت چون گرسنه بودم از او خواستم برایم ساندویچ بخرد و پایم را باز کند همان لحظه به فکر فرار افتادم در یک لحظه چاقویی که در وسایلم بود را برداشتم و داخل جیبم گذاشتم و بعد فرار کردم عبدالجبار به سرعت به من رسید و من برای رهایی از او چند ضربه چاقو زدم اما قصدم کشتن مأمور نبود. بعد هم با قیچی آهن بر دستبند را باز کردم و با سرقت یک موتور فرار کردم اما خیلی زود بازداشت شدم.

پس از اعتراف‌های متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در ابتدای این جلسه اولیای دم خواستار صدور حکم قصاص شدند. در ادامه متهم به جایگاه رفت و ضمن رد اتهام قتل عمدی عنوان کرد: من با مقتول دشمنی نداشتم و او را اصلاً نمی‌شناختم. بنابراین نباید در کارم عمدی وجود داشته باشد. من فقط می‌خواستم از دستش فرار کنم. با این حال از کارم پشیمانم و از اولیای دم درخواست حلالیت دارم. من سارقم آدمکش نیستم. پس از اظهارات متهم و وکیل او قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

روایتی از یک دورهمی متفاوت

بغض و بخشش

آزاده پیراکوه/ میهمان‌نوازی چنان در پوست و خون‌شان است که وقتی وارد خانه می‌شویم نمی‌دانیم این روی گشاده را به حساب رضایت برای چشم‌پوشی از اعدام قاتل پسرشان بگذاریم یا رسم و رسوم‌های معمول هر خانواده ایرانی. دو سال پیش پسر ۲۷ ساله این خانواده به نام شاهین به قتل رسید و حالا جمعی از خیرین، ورزشکاران و چهره‌های مردمی به خانه‌شان رفته‌اند تا شاید با پادرمیانی در فاصله چند روز مانده به اجرای حکم اعدام، بتوانند رضایت آنها را جلب کنند.

مادر شاهین حواسش به تک‌تک میهمانان است و با روی باز خوشامد می‌گوید. پدر هم که به «حاج علی» معروف است، روی زمین می‌نشیند تا به قول قدیمی‌ترها، میهمانانش بالای مجلس بنشینند. خیلی زود یاد جوان از دست رفته به همه این خودخوری‌ها و پایبندی به رسوم میهمان‌نوازی می‌چربد و کمر شکسته پدر و مادر شاهین از پشت ردایی که برای حفظ آبرو برای خود دوخته‌اند بیرون می‌زند. سرخی سیلی صورت‌شان که محو می‌شود با رنگ‌های پریده و چشمانی کم‌سو نگاه‌مان می‌کنند تا بالاخره بفهمیم داغی که خانواده زند کریمخانی بر دل دارند، سنگین‌تر از آن است که بتوانند به راحتی ببخشند.

پدر هنوز بغض دارد. وقتی یاد اتفاق سه سال قبل می‌افتد، نمی‌تواند عصبانیت و ناراحتی‌اش را پنهان کند. از خانواده قاتل و رفتارهایشان شاکی است. پدر شاهین می‌گوید: «در این مدت بجز در مواردی که لازم بوده، پایم را در دادگاه نگذاشته‌ام و اجازه داده‌ام همه چیز روال قانونی‌اش را طی کند اما آنها در مقابل چه کرده‌اند؟ در یکی از جلسات دادگاه، فردی که پسرم را کشت، گفت مسائلی پشت پرده است که نمی‌گوید. حرف من الان این است که بگوید چه مسائلی وجود داشته. او طوری صحبت کرده که انگار فرد دیگری می‌خواسته پسر من کشته شود و من می‌خواهم او را بشناسم.»

حرف‌های پدر شاهین، حال و هوای خانه را تغییر می‌دهد. جوانترها همراه مادر و مادربزرگ شاهین اشک می‌ریزند و بزرگترها سعی دارند پدر را قانع کنند که در شرایط سخت، چنین حرف‌هایی مطرح می‌شود تا مراحل صدور حکم عقب بیفتد.

حسین حسینی که از مربیان والیبال است، زمزمه‌هایی با پدر مقتول دارد و می‌خواهد که به خاطر رضای خداوند از اجرای حکم اعدام بگذرد. پدر چند لحظه‌ای با خودش و افکارش تنها می‌شود و اینجاست که مادربزرگ و مادر شاهین، از سختی‌هایی که در این مدت متحمل شده‌اند، می‌گویند. از دختر بچه ۴ ساله‌ای که از پسرشان به یادگار مانده و پدری که در دو سالگی کودکش را تنها گذشته است. مادر می‌گوید: «نمی‌دانم باید چکاری انجام بدهم. اگر ببخشم، پسرم راضی می‌شود؟»

پدر و مادر شاهین به هم نگاهی می‌کنند و اینجاست که پدر با تکان دادن سر، رضایتش را اعلام می‌کند و می‌گوید بدون دریافت هیچ وجهی بابت دیه و... از خون پسرش می‌گذرد. عده‌ای از نزدیکان پیشنهاد می‌دهند که این کار پای چوبه اعدام انجام شود اما گویا پدر حتی به این کار هم راضی نیست و یکی دو روزی که می‌گذرد، خبر می‌رسد که پدر و مادر شاهین، رضایت‌شان را در دادگاه ثبت کرده‌اند.

مرگ پدر عروس در مراسم تیراندازی

گروه حوادث/ بی احتیاطی پدر عروس در مراسم تیراندازی، جشن عروسی را به عزا تبدیل کرد. سرهنگ سعید بالش زر، رئیس پلیس آگاهی استان کهگیلویه و بویراحمد در رابطه با جزئیات این حادثه گفت: شامگاه چهارشنبه ۲۲ دی یک جشن عروسی در شهرستان چرام برپا بود اما زمانی که عروس سوار بر خودرو در حال خروج از تالار بود، حادثه‌ای رخ داد که منجر به مرگ پدر عروس شد. وی افزود: پدر عروس درحالی که تفنگ برنو مسلح در دست داشت، پسر بچه ۹ ساله‌اش بر اثر بازیگوشی و سهل‌انگاری ماشه تفنگ برنو مسلح در دست پدر که لوله‌اش به سمت سر پدر بود را چکاند و تیر شلیک شده به زیر گلوی پدر ۴۵ ساله اصابت کرد و منجر به قتل او شد.

سرهنگ بالش زر با اشاره به خطرات سلاح عنوان کرد: از مردم انتظار داریم در مراسم عروسی و عزا از اسلحه استفاده نکنند تا شاهد چنین حوادث ناگوار و تلخی نباشیم. وی همچنین تأکید کرد: پلیس بدون تعارف و با قاطعیت با استفاده کنندگان اسلحه در مراسم عروسی و عزا برخورد قانونی خواهد کرد.

درخواست عجیب مرد سنگ‌پران:

مرا به تیمارستان ببرید نه بازداشتگاه!

گروه حوادث/ مرجان همایونی

مرد میانسالی که به اتهام پرتاب سنگ به دو خودرو و قتل یک زن و مرد تحت تعقیب بود، هنگام سنگ‌پرانی به دو خودروی دیگر در تهران دستگیر شد اما وی مدعی است که بیماری روانی دارد و باید در تیمارستان بستری شود.

■ مرگ راننده تاکسی اینترنتی

۱۱ آذر امسال، گزارش مرگ مرد جوانی داخل خودروی پرایدش در بزرگراه یادگار امام، ابتدای بزرگراه شیخ فضل اله به مأموران کلانتری ۱۱۸ ستارخان اعلام شد.

با حضور مأموران در محل، در تحقیقات اولیه آنها با جسد راننده در حالی مواجه شدند که شیشه جلو و عقب خودرو شکسته و مقداری شن و ماسه نیز داخل خودرو ریخته بود. باتوجه به اینکه در نزدیکی محل حادثه، ساختمانی در حال ساخت قرار داشت، این طور به نظر رسید که مرگ راننده به نام رضا به خاطر اصابت مصالح ساختمانی یا سقوط سنگ روی خودرو بوده است. بنابراین با تشکیل پرونده و این فرضیه که مرگ بر اثر حادثه رخ داده پرونده در دست پیگیری قرار گرفت.

■ قتل خانم معلم

در حالی که حدود یک ماه از مرگ راننده پراید گذشته بود صبح روز پنجشنبه ۹ دی، مأموران کلانتری نواب در تماس با بازپرس ساسان غلامی از مرگ خانم معلمی به نام سمیه ستوده در حادثه سقوط سنگ روی خودرواش خبر دادند. شاهدان حادثه به پلیس گفتند مرد جوانی را دیده‌اند که در کنار پل ایستاده و اقدام به پرتاب سنگ به سه خودرو کرده بود که راننده یکی از خودروها همان خانم معلم ۴۵ ساله‌ای بود که در این حادثه جان خود را از دست داد و راننده دو خودروی دیگر، مصدوم شده بودند.

با گزارش مرگ خانم معلم، پرونده‌ای در شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت، تشکیل شد و کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت برای دستگیری متهم وارد عمل شدند.

■ تصویر مرد سنگ‌پران

در تحقیقات میدانی تصویر مرد سنگ‌پران به‌دست آمد، اما مدرکی که هویت او را نشان دهد در دست نبود. با این احتمال که وی حوادث دیگری رقم زده باشد، مأموران اداره دهم پلیس آگاهی به سراغ پرونده‌های موجود در کلانتری‌ها رفتند و باتوجه به شباهت پرونده مرگ راننده پراید این فرضیه که وی نیز بر اثر سنگ‌پرانی به قتل رسیده باشد قوت گرفت.

تحقیقات برای دستگیری مرد سنگ‌پران ادامه داشت و گشت‌های ویژه پلیس در بیشتر مناطق شهر فعال بودند که صبح پنجشنبه ۲۳ دی، مأموران کلانتری نواب مطلع شدند، مردی در ابتدای خیابان امام خمینی، اقدام به پرتاب سنگ به دو خودروی ۲۰۶ و سمند کرده است. بلافاصله مأموران راهی محل شده و مرد سنگ‌پران را بازداشت کردند. او زمانی که در مقابل بازپرس جنایی قرار گرفت به جرم خود اعتراف کرد. متهم ۴۵ ساله برای بررسی صحت روانی به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

■ دستگیری ۱۰ متهم

سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس پایتخت در خصوص دستگیری متهم این پرونده گفت: با توجه به اینکه این حادثه باعث ایجاد ناامنی روانی در جامعه شده بود دستگیری عامل یا عاملان این حادثه در دستور کار پلیس‌های پیشگیری و آگاهی قرار گرفت و بیش از ۵۰ تیم مسئول پیگیری این موضوع شدند. وی با اشاره به اینکه در این مدت حدود ۱۰ متهم که در نقاط مختلف شهر اقدام به سنگ‌پرانی می‌کردند نیز دستگیر شدند افزود: اما پس از دستگیری این افراد مشخص شد هیچ کدام متهم اصلی این پرونده نیستند با این حال ردیابی‌ها ادامه داشت تا اینکه سرانجام متهم اصلی زمانی که قصد رقم زدن جنایت و حادثه‌ای دیگر را داشت توسط پلیس دستگیر شد.

وی با اشاره به اینکه متهم در همان لحظات اولیه دستگیری اعتراف کرد گفت: در حوادثی که این فرد رقم زده دو نفر کشته و حدود ۶ نفر مجروح شده و حدود ۸ خودرو نیز آسیب دیدند. البته این فرد همدستی نداشته و به تنهایی اقدام به این جنایت‌ها کرده است.

خانم معلم جان باخته

گفت‌وگو با مرد سنگ‌پران

«من محجورم» این اولین جمله‌ای بود که متهم در مقابل دوربین خبرنگاران به زبان آورد. علیرضا ۴۵ ساله، با ظاهری آشفته، اصرار داشت که به جای بازداشتگاه او را به تیمارستان منتقل کنند، چرا که تاب و توان تحمل زندان را ندارد.

■ انگیزه‌ات از این کارها چه بود؟

اعصاب مرا بهم ریخته بودند و اصلاً متوجه نبودم که چکار می‌کنم. من نمی‌خواستم کسی کشته شود، فقط می‌خواستم در حد خراب کردن خودروها باشد. تا به مردمی که مرا کتک می‌زدند و اذیت می‌کردند بگویم که من با کسی دشمنی ندارم. می‌خواستم از حق خودم دفاع و عقده‌هایم را خالی کنم. حقم را خورده بودند. در جامعه به من ظلم شده بود.

■ چه کسانی اعصابت را بهم ریخته بودند؟

خواهر و برادرهایم و مردم جامعه با من کارهایی کردند که رویم نمی‌شود بگویم. مثلاً مردم به من چپ چپ نگاه می‌کردند، چرا باید این کار را انجام می‌دادند. یکبار رفتم شیرینی بخرم، فروشنده به جای ۴۰ هزار تومان با من ۸۰ هزار تومان حساب کرد. یک دفعه هم در خیابان داشتم راه می‌رفتم، یک مرد مست مرا بلند کرد و انداخت در مغازه موتورسازی‌اش، بعد هم مرا کتک زد و اذیت کرد.

■ پدر و مادرت زنده هستند؟

۱۰ سال قبل مادرم فوت کرد اما فامیل و خواهر و برادرم می‌گویند مادرت آنقدر غصه تو را خورد فوت کرد. درصورتی که مادرم دیابت داشت و مریض قلبی بود، او مرا خیلی دوست داشت و مدام می‌گفت درسته که مردم تو را اذیت می‌کنند، اما من می‌شناسمت و می‌دانم که آدم خوبی هستی. پدرم دوباره ازدواج کرد نامادری‌ام زن خوبی است. اما خواهر و برادرم خیلی اذیتم می‌کنند. خواهرم انگشتر طلایش را مخفی می‌کرد و می‌گفت علیرضا دزدیده است.

■ چرا اصرار داری تو را به تیمارستان ببرند؟

من از بازداشتگاه می‌ترسم و احساس غربت می‌کنم. آنجا سکته می‌کنم. تا به حال بازداشتگاه نرفتم لطفاً بگویید مرا به تیمارستان ببرند.

■ می‌دانستی دو نفر را کشته‌ای؟

نه، وقتی دستگیر شدم فهمیدم.

■ در روزنامه‌ها نخوانده بودی؟

نه، من با فضای مجازی کاری ندارم و روزنامه هم نمی‌خوانم.

■ چه ساعتی این کار را انجام می‌دادی؟

۵ صبح، از خانه‌ام در محدوده خیابان کارون خارج می‌شدم و هر چند روز یکبار این کار را انجام می‌دادم.

■ چرا ۵ صبح سنگ‌پرانی می‌کردی؟

به خاطر اینکه در روز بزرگراه‌ها و خیابان‌ها شلوغ است و مرا می‌گرفتند.

بیماری روحی و روانی داری؟

بله، ۲۷ سال قبل تحت درمان بودم.

■ شغلت چیست؟

کارهای زیادی انجام دادم اما از سال ۸۴ بیکارم و پدرم خرج زندگی‌ام و خانه‌ای که برای من اجاره کرده است را می‌دهد.

ازدواج نکردی؟

می‌خواستم ازدواج کنم ولی نشد. شاید یکی از دلایلی که دست به این کار زدم تنهایی‌ام بود.

آتش‌سوزی در کارخانه تصفیه روغن ۴ کشته و ۵ مصدوم داشت

۱۲ ساعت جدال نفسگیر برای مهار آتش

گروه حوادث: آتش‌سوزی گسترده در کارخانه تصفیه روغن بوئین زهرا در حالی پس از ۱۲ ساعت با تلاش نفسگیر آتش‌نشانان مهار شد که ۴ کشته و ۵ مصدوم برجا گذاشت.

حدود ساعت ۸:۴۵ صبح پنجشنبه خبر آتش‌سوزی در یک مجتمع صنعتی واقع در مرز استان قزوین و البرز در شهرستان بوئین زهرا به آتش‌نشانی اعلام شد که بلافاصله ۵ اکیپ از قزوین به محل حادثه اعزام شدند. اما با توجه به حجم گسترده آتش و نیز اشتعالزا بودن مخازن نفتی، مهار این آتش بسیار پیچیده و خطرناک بود و هر لحظه نیز بر حجم آتش و گسترش آن افزوده می‌شد. قدیر موسی‌خانی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی قزوین در تشریح این ماجرا به برنا گفت: با توجه به شدت آتش‌سوزی، ما از استان‌های تهران و البرز هم تقاضای کمک کردیم و ۷ اکیپ دیگر از استان البرز به منطقه اعزام شدند. از سوی دیگر کمبود آب و دوری مسافت تأمین آب، مهار آتش را طولانی کرد. لحظات اولیه حریق با انفجار مهیب یکی از مخازن بزرگ نفتی که بیش از ۲۵۰ هزار لیتر ظرفیت دارد شاهد پرتاب قطعات مخزن به ۱۰۰ متری خارج از کارخانه بودیم و یکی از نگرانی‌های ما، سرایت آتش به واحدهای صنعتی همجوار بود که آنها نیز مواد آتش‌زا تولید می‌کردند و می‌توانست فاجعه‌ای بزرگ ایجاد کند.

وی گفت: در این‌گونه حوادث که حرارت آتش بسیار بالاست و نمی‌توانیم نزدیک آتش شویم، نیازمند خودروهای آب‌پاش از راه دور هستیم که کمبود جدی داریم و به همین دلیل همکاران من بدون اغراق با امکانات کمی که داشتند به دل آتش زدند و ایثارگرانه نزدیک کانون آتش شدند و جان خود را به خطر انداختند که دو نفر هم مصدوم شدند.

موسی‌خانی اظهار داشت: در اثر گستردگی آتش و انفجار مخازن متأسفانه یک نفر از کارگران کشته شد و ۴ نفر مصدوم شدند و سه نفر هم ناپدید شده بودند که صبح جمعه جسد دو نفر پیدا شد و تلاش برای یافتن نفر سوم ادامه دارد همچنین ۶ دستگاه خودروی سواری کارکنان این شرکت نیز در آتش سوخته است. وی اضافه کرد: از مسئولان صنعتی استان انتظار داریم در زمان راه‌اندازی شهرک‌های صنعتی و واحدهایی که در تولید فرآورده‌های نفتی فعالیت می‌کنند حتماً استخر ذخیره آب نیز در محوطه واحد خود احداث کنند تا در این مواقع بتوان بسرعت وارد عمل شد و از خسارت‌های آتش‌سوزی کم کرد. در این حادثه می‌بینیم که این کارخانه هنوز تکمیل نشده و به افتتاح رسمی هم نرسیده بود اما دچار این حریق گسترده شد که اگر به رعایت نکات ایمنی بویژه در هنگام جوشکاری در کنار مخازن آتش‌زا توجه بیشتری می‌شد شاید این حادثه رخ نمی‌داد یا خسارات کمتری داشت.

دکتر سهیل سلطانی، رئیس مرکز مدیریت حوادث و اورژانس استان قزوین نیز اظهار کرد: در این حادثه آتش‌سوزی، یک مرد ۳۰ ساله دچار تروما به قفسه سینه، مصدوم دیگر جوانی ۱۷ ساله تروما به دست، مصدوم دیگر یک آتش‌نشان ۳۸ ساله تروما به پا بود که پس از اقدامات اولیه ۲ مورد توسط آمبولانس اورژانس پایگاه آراسنج و یک مورد توسط آمبولانس اورژانس پایگاه بوئین زهرا برای انجام اقدامات درمانی بیشتر به بیمارستان امیرالمؤمنین (ع) بوئین زهرا منتقل شدند. ۲ مورد هم مصدوم سرپایی در محل حادثه حضور داشتند که اقدامات درمانی در محل حادثه انجام شد. آتش‌سوزی در ساعت ۲۰:۳۰ با تلاش فراوان عوامل آتش‌نشانی مهار شد.

قدرت‌الله مهدیخانی، مدیرکل مدیریت بحران استانداری قزوین نیز گفت: به طور معمول آتش‌سوزی‌ها در واحدهای صنعتی به‌دلیل عدم رعایت نکات ایمنی و یا عامل انسانی رخ می‌دهد اما در رابطه با این حادثه باید منتظر باشیم تا بررسی‌های نهایی صورت بگیرد.

۲ کوهنورد پیشکسوت در ارتفاع ۴۰۰۰ متری یخ زدند

آخرین صعود به علم کوه

گروه حوادث: دو کوهنورد حرفه‌ای و پیشکسوت که قصد صعود به قله علم کوه را داشتند در ارتفاع ۴۰۰۰ متری گرفتار سرما شده و جان باختند.

انجمن پزشکی فدراسیون کوهنوردی با انتشار گزارشی جزئیات این حادثه را تشریح کرد. در این گزارش آمده است، از ساعات ابتدایی صبح چهارشنبه ۲۲ دی اخباری درباره گرفتار شدن و بروز حادثه برای کوهنوردان در منطقه علم‌کوه گزارش شد. طبق این اخبار، دو نفر از کوهنوردان تهرانی به نام عباس کلهر - مربی برف- و حامد شاه حسینی - راهنمای سنگ- در منطقه «گرده آلمان‌ها» گرفتار شده بودند. این دو کوهنورد با برنامه‌ریزی از قبل تعیین شده قرار بود سه‌شنبه به قله علم‌کوه از مسیر گرده آلمان‌ها صعود کنند که به علت سرمای شدید، زمین‌گیر شدند. با همکاری سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر در ابتدا قرار بر اعزام تیمی در عصر چهارشنبه بود که به‌دلیل سرعت باد بالا و ارتفاع بالای پرواز، امکان اعزام نیرو با وجود آماده بودن تیم امداد و نجات میسر نشد.

با هماهنگی‌های انجام‌شده بین کمیته جست‌وجو و نجات فدراسیون کوهنوردی و امداد کوهستان سازمان امداد و نجات هلال احمر، صبح پنجشنبه در اولین فرصت پرواز به منطقه علم‌کوه در قالب یک تیم شش نفره از امدادگران کوهستان فدراسیون کوهنوردی و هلال احمر به منطقه اعزام شد که پس از اعزام امداد هوایی مشترک فدراسیون کوهنوردی و جمعیت هلال احمر به منطقه علم‌کوه، تیم سه نفره ترکیبی نجات فدراسیون و هلال احمر در ارتفاع ۴۶۰۰ خرسان پیاده شدند و عملیات امداد را آغاز کردند. هلی‌کوپتر امداد به دلیل مه‌آلودگی منطقه کلاردشت مجبور به برگشت به تهران شد تا در صورت ضرورت، دوباره به منطقه اعزام شود. ساعت یک بعد از ظهر تیم امداد و نجات کوهستان به کوهنوردان حادثه دیده در حالی دسترسی پیدا کردند که یکی از کوهنوردان به نام «حامد شاه‌حسینی» جان خود را از دست داده و همنورد وی به نام «عباس کلهر» در وضعیت وخیمی بود که تلاش تیم امدادگر برای نجات جان وی نتیجه نداد و ساعت ۹ شب این مربی با سابقه کشور نیز جان باخت.

تیم امداد در حالی که قصد انتقال اجساد دو کوهنورد را داشت با شرایط هوایی متغیر و بارش برف و سرعت باد بالای ۶۰ کیلومتر در ساعت مواجه شد و برای جلوگیری از حوادث بیشتر، در جان‌پناه خرسان مستقر شد تا با بهبود شرایط اب و هوایی به پایین برگردند.

حامد شاه‌حسینی

عباس کلهر